

بسم الله الرحمن الرحيم

ضرورت حجاب، فلسفه آن و پیامدهای منفی کشف حجاب

چکیده:

- ۱- روند تبدیل حجاب از موضوعی فرهنگی و با ابعاد روشن شرعی به یک مساله امنیتی به وضوح در جامعه ایران دیده می شود.
- ۲- دو گروه عمده را در پشت صحنه مساله حجاب می توان از هم تفکیک و دسته بندی کرد؛ گروهی که به مثابه ماموریتی بیرونی از سوی دشمنان انقلاب و نظام اسلامی به این مساله نگاه امنیتی داشته و می خواهند حجاب را به یکی از حلقه های مهم زنجیره ی مسائل و مشکلات جمهوری اسلامی تبدیل و از آن طریق جامعه را دوقطبی نمایند و گروه دوم افراد کشف حجاب کننده بسیاری از خانم هایی هستند که از سر نا آگاهی و فریب خوردگی دست به این حرام شرعی و سیاسی می زنند.

۳- مسلماً، نحوه مواجهه با این دو گروه عمده متفاوت است؛ با گروه اول، بنا بر تاکید رهبر معظم انقلاب به حرام شرعی و سیاسی بودن کشف حجاب و این که در امتداد زنجیره‌ی دشمنی‌ها با انقلاب و نظام اسلامی عمل می‌کنند، باید با شدت و قاطعیت عمل کرد.

۴- اما گروه دوم نیاز به تبیین و روشنگری مساله حجاب و فلسفه آن و همچنین پیامدهای کشف حجاب دارد. این موضوع باید با زبان اقناعی و منفعت‌محور برای بانوان گرانقدر و عفیف جامعه اسلامی و ایرانی جا بیفتد که دود بدحجابی و کشف حجاب در وهله اول به چشم خود خانم‌ها می‌رود و زندگی آنها را با انواع ناامنی‌ها، پیامدهای اخلاقی و نگاه کالایی و صرف تمتع‌طلبی مواجه می‌سازد. در این زمینه تجربه شکست‌خورده غرب و دنیای سرمایه‌داری پیش روی همگان قرار دارد.

۵- امروزه نظام سلطه برای از بین بردن غیرت در جامعه اسلامی، حجاب را مورد هدف قرار داده و با ابزار رسانه سعی می‌کند سیاست‌های غلط خود را در داخل کشور پیاده سازد.

۶- سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه و خانواده، حوزه‌هایی هستند که با تحقق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، آسیب می‌بینند. بنابراین، جرم مورد بحث در شمار جرایم عمومی است و تعقیب کردن مرتکب آن نیازمند دعوای شاکی خصوصی نیست. فلسفه جرم‌انگاری رعایت نکردن حجاب شرعی نیز پاسداری از امنیت اخلاقی جامعه است که اخلال در آن، زمینه‌ساز جرایم بسیار دیگری است.

ضرورت حجاب، فلسفه آن و پیامدهای منفی کشف حجاب

مقدمه

این روزها برخی اهتمام‌ها و تلاش‌ها با طراحی بیرونی و هدف‌گذاری‌های خاص صورت می‌گیرد تا موضوع روشن حجاب را به مساله جامعه تبدیل نماید. در این فرایند، روند تبدیل حجاب از موضوعی فرهنگی و با ابعاد روشن شرعی به یک مساله امنیتی به وضوح دیده می‌شود. از این‌رو، می‌توان دو گروه عمده را در پشت صحنه مساله حجاب از هم تفکیک و دسته‌بندی کرد؛ گروهی که به مثابه ماموریتی بیرونی از سوی دشمنان انقلاب و نظام اسلامی به این مساله نگاه امنیتی داشته و می‌خواهند حجاب را به یکی از حلقه‌های مهم زنجیره‌ی مسائل و مشکلات جمهوری اسلامی تبدیل و از آن طریق جامعه را دوقطبی نمایند و مقصود خود را از ناامنی و دوگانگی در جامعه در قالب تداوم اغتشاشات پائیز ۱۴۰۱ بچینند. گروه دوم افراد کشف‌حجاب‌کننده برخی از خانم‌هایی هستند که از سر ناآگاهی و

فریب خوردگی دست به این حرام شرعی و سیاسی می‌زنند. مسلماً، نحوه مواجهه با این دو گروه عمده متفاوت باید باشد؛ بدون تردید، با آنهایی که با این پدیده در مجموع مواجهه امنیتی دارند و شواهد نشان از حمایت و پشتیبانی سرویس‌های اطلاعاتی و مراکز جاسوسی دشمنان تابلودار اسلام و انقلاب دارد، باید با قاطعیت و به شدت برخورد کرد؛ چرا که به فرموده رهبر معظم انقلاب «کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که اینها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند. من می‌دانم. خیلی از اینها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرعند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [منتها] توجّه ندارند که چه کسی پشت این سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند».

(دیدار مسئولان و

کارگزاران نظام با رهبر معظم انقلاب، ۱۵ فروردین ۱۴۰۲)

مبتنی بر این فراز از سخنان حکیم انقلاب، رویکرد مواجهه‌ای با دسته دیگر، فرهنگ‌سازی و تبیین و روشن‌گری ابعاد فقهی، شرعی و عقلایی حجاب و

پیامدها و تبعات اجتماعی گسترش بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه با عطف توجه به تجربه تلخ و تاریخی جوامعی است که در این دام نظام سرمایه‌داری لیبرال افتادند. البته در صف اول، جوامع اروپایی و آمریکا قرار دارند. دانشمندان منصف غربی امروز به جد نگران روندهای فروپاشی کانون خانواده و به تبع آن احساس ناامنی و فروپاشی اجتماعی در غرب هستند. در این راستا، تلاش می‌شود در این مطلب به فلسفه حجاب و ابعاد فقهی و نتایج آن و تجارب تاریخی در خصوص حجاب ملت‌ها و همچنین پیامدهای کشف حجاب توجه داده شود.

رابطه لباس با نوع جهان بینی

در هر جامعه نوع و کیفیت لباس و پوشش زنان و مردان علاوه بر آنکه تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است، به طور قطع تابع جهان بینی و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه است. وقتی به نوع پوشش و لباس در بین مردم کشورهای همسایه اعم از کشورهای عربی و غیرعربی نگاه می‌کنیم می‌بینیم شباهت و وجه اشتراکی مانند بلندبودن، گشاد بودن و غیر چسبان بودن بین آنها وجود دارد. هر چند تفاوت‌هایی هم مشاهده می‌شود. پرهیز از بدن‌نمایی و عریانی و میل به حفظ حریم تن و داشتن

احساس شرم و عفت، صفت مشترک تمامی جوامعی است که بویی از معنویت و دین در آن استشمام می‌شود. در ایران باستان تا به امروز این خصایص به صورت یک امر بدیهی در اذهان ملت ایران وجود داشته است تا اینکه دشمنان اسلام و ایران تلاش کردند تا با ورود تفکر غرب و رواج برهنگی، نوع جهان‌بینی ملت‌های مسلمان را به بهانه ترقی، آزادی و تساوی حقوق، تغییر داده و فرهنگ برهنگی را نهادینه کنند تا بتوانند سیاست‌های غلط خود را علاوه بر حوزه فرهنگ، در سایر حوزه‌ها نیز اعمال نمایند. البته هجوم تفکر غرب مختص کشورهای مسلمان نبوده و به فرهنگ کشورهای غیرمسلمان مثل ژاپن هم حمله وارد شده است تا آنجا که قبل از ورود تفکر غربی، مردم ژاپن لباس‌های گشاد و بلند می‌پوشیدند اما با ورود فرهنگ غرب، برهنگی و لباس‌های غیرمتعارف به سبک غربی در آن هم رواج پیدا کرده است.

بنابراین نوع پوشش مردان و زنان یک جامعه، شان و شخصیت افراد آن جامعه را نشان می‌دهد که تابع چه گفتمان و چه جهان‌بینی هستند. جهان‌بینی الهی مبتنی بر شرم، حیا و انسانیت یا جهان‌بینی معطوف به برهنگی و عریانی و در یک کلام جهان‌بینی غیردینی و مادی.

حجاب در ایران باستان

در ایران باستان و در میان قوم یهود و حتی در هند حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است، اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است.

ویل دورانت راجع به قوم یهود و قانون تلمود می‌نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت چنانکه مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (ترجمه تاریخ تمدن، جلد ۱۲، ص ۳۰)

به هر حال حجابی که در قوم یهود معمول بوده از حجاب اسلام بسی سخت‌تر و مشکل‌تر بوده است. ویل دورانت در مورد حجاب در ایران می‌گوید: «پس از داریوش مقام زن مخصوصاً در طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کارکردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند ولی در مورد زنان دیگر گوشه نشینی زمان

خاص زنانه که برایشان واجب بود رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی‌شان را فرا گرفت، و این امر خود مبنای پرده‌پوشی در میان مسلمانان به شمار می‌رود. زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را و لو پدر یا برادرشان باشد ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد». (ترجمه تاریخ تمدن، جلد ۱، ص ۵۵۲)

در زمان حکومت مادها، حجاب زودتر از اسلام رواج پیدا کرد. کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» درباره پوشش زنان در دوران مادها با تکیه بر نقوش برجسته برجا مانده می‌گوید که پوشاک زنان آن دوران از دید شکل با پوشاک مردان یکسان است. درباره آن نقوش چنین می‌نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمایز داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است». (پوشاک باستانی ایرانیان، ضیاءپور، ص ۵۴).

حجاب و پوشش در زمان هخامنشیان پس از مادها، تفاوت چندانی نداشته و آنها نیز همانند مادها بر حفظ حجاب زنان پایبند بودند. پلوتارک مورخ یونانی در مورد شرایط ایران در زمان هخامنشیان می‌نویسد: «هر گاه لازم است زنان ایران از خانه خارج شوند و به سفر روند، درون چادرهای در بسته‌ای می‌نشینند و چادر را بر روی گردونه‌ای قرار می‌دهند و حمل می‌نمایند». احمد کسروی می‌نویسد که استفاده از چنین چادری ویژه توانگران بوده و افراد عادی جهت رفت‌وآمد مشابه کوچکتر آن را بر سر می‌گرفته‌اند و به تدریج ظاهر آن تغییر کرده و به صورت امروز درآمده ولی نام چادر همچنان بر آن باقی مانده‌است. (خواهران و دختران ما، احمد کسروی صفحه ۷)

در زمان اشکانیان نیز پوشش برای زنان امری لازم و ضروری بوده است آنچنان که جلیل ضیاء پور در کتاب پوشاک زنان ایران تا آغاز عصر پهلوی می‌نویسد: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه راست بوده‌است. پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده‌است.

روی این دو پیراهن چادری سر می کردند». (جلیل ضیاءپور، پوشاک زنان ایران تا آغاز عصر پهلوی، ص ۱۹۴)

همان‌طور که ملاحظه شد حجاب سخت و شدیدی در ایران باستان حکمفرما بوده است؛ به گونه‌ای حتی در برخی اقوام، پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می‌شده‌اند. حجاب مقوله‌ای نیست که فقط در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قانون و حدود شرعی مطرح بوده باشد بلکه در طول تاریخ، حجاب مسئله بسیار مهمی در افکار عمومی ایرانیان بوده است اما امروز قشری از اجتماع که به غلط خود را «روشنفکر» معرفی می‌کنند با نظر بدبینی به اسلام در مسائل مربوط به زن نگاه می‌کنند، نمی‌دانند اسلام چه گفته است و با فلسفه اجتماعی اسلام آشنا نیستند و لهذا بدبینی‌های آنها صددرصد بی‌اساس است. این دسته نه تنها به پیروی از شهوات خود عملاً مقید به حجاب و عفاف نیستند بلکه چون با حجاب اسلامی و منطق آن آشنا نیستند اعتقاد پیدا کرده‌اند که این یک خرافه است، دستوری است که موجب بدبختی بشر است و همین فکر سبب دوری بلکه بیگانگی و خروج آنها از اسلام شده است. با فلسفه حجاب و نوع پوشش مردم ایران و سایر ملت‌ها در تاریخ باستان آشنا

شدیم اما حجاب با نگرش اسلامی بسی کامل تر و با فلسفه‌ای روشن تر و فقهی مقبول تر مورد توجه ذات اقدس الهی به عنوان خالق انسان و هستی آمده است که اگر تاملی عقلایی و بدون حب و بغض نفسانی در آن صورت گیرد، همگان آن را تصدیق خواهند کرد.

حجاب در قرآن و آموزه های اسلامی

الف: حجاب در قرآن

حجاب یک مساله شرعی و قرآنی است و خداوند متعال مردان و زنان را به حفظ عفاف و حجاب به مثابه امر و تکلیفی واجب و شرعی دستور می دهد.

۱- تعیین حدود ارتباط با نامحرمان

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ

النِّسَاءِ، وَلَا يَضْرِبْنَ بَارِجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً
إِنَّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره نور آیه ۳۰ و ۳۱)

به مردان مؤمن بگو دیدگان فرو خوابانند و دامن‌ها حفظ کنند. این برای شما پاکیزه‌تر است. خدا به آن چه می‌کنید آگاه است. به زنان مؤمنه بگو دیدگان خویش فرو خوابانند و دامن‌های خویش حفظ کنند و زیور خویش آشکار نکنند مگر آنچه پیدا است، سرپوش‌های خویش بر گریبان‌ها بزنند، زیور خویش آشکار نکنند مگر برای شوهران یا پدران یا پدرشوهران یا پسران یا پسرشوهران یا برادران یا برادرزادگان یا خواهرزادگان یا زنان یا مملوکانشان یا مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند یا کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کامجویی از زنان توانا نیستند) و پای به زمین نکوبند که زیورهای مخفی‌شان دانسته شود. ای گروه مؤمنان! همگی به سوی خداوند توبه برید، باشد که رستگار شوید.

پیام‌های مهم آیه

۱. هر مسلمان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نظربازی اجتناب کند.

۲. مسلمان، خواه مرد یا زن، باید پاکدامن باشد و عورت خود را از دیگران بپوشد.

۳. زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و درصدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند.

۴. دو استثنا برای لزوم پوشش زن ذکر شده که یکی با جمله «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» بیان شده است و نسبت به عموم مردان است و دیگری با جمله «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ تَا آخِر» ذکر شده و نداشتن پوشش را برای زن نسبت به عده خاصی تجویز می‌کند.

۵. قرآن به مؤمنین می‌گوید به زنان خیره نشوند و چشم‌چرانی نکنند. آن چنانکه مفسران و فقها استنباط می‌کنند مقصود از «غَضَّ بَصَر» این است که خیره نگاه نکنند، یعنی ناظر به نگاهی باشد که لازمه مخاطبه است و چشم‌چرانی نکنند.

۶. «وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ» یعنی به مؤمنین بگو عورت خویش را حفظ کنند. پاکدامن باشند یعنی از زنا و فحشاء و هر کار زشتی دوری کنند.

۷. «ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» یعنی این برای ایشان پاکیزه‌تر است؛ پوشیدن عورت یک نوع نظافت و پاکی روح است.

۸. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» ترک نظر و پاکدامنی (پوشانیدن عورت) که برای مردان آمده برای زنان هم ذکر فرموده است.

۹. قوانین اسلام بر پایه تبعیض و تفاوت میان زن و مرد بنا نشده است و الا می باید همه این تکالیف را برای زن قائل شود و برای مرد هیچ وظیفه ای مقرر ندارد.

۱۰. اگر می بینیم که وظیفه «پوشش» به زن اختصاص یافته است از این جهت است که ملاک آن مخصوص زن است. زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفگی است.

۱۱. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند. زینتهای زن دو نوع است. یک نوع زینت آشکار است مانند جامه ها. نوع دیگر زینت مخفی است مانند خلخال و گوشواره و دستبند. پوشانیدن زینت نوع اول واجب نیست، اما پوشانیدن زینتهای نوع دوم واجب است.

۱۲. «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» یعنی می باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش قرار دهند. البته روسری خصوصیتی ندارد، مقصود

پوشیدن سر و گردن و گریبان است. این آیه دستور می‌دهد که باید قسمت آویخته همان روسریها را از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیفکنند تا قسمتهای یاد شده پوشیده گردد.

۱۳. «وَلَا يُدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَلَىٰ آخِرٍ» یعنی زینتهای خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پدران شوهرانشان، پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد.

۲- استثنائاتی برای زنان در پوشش

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (سوره نور آیه ۶۰)؛

«زنان از پافتاده‌ای که امیدی به ازدواج ندارند می‌توانند لباس روی خود را بر زمین نهند مشروط بر اینکه نخواهند خودنمایی و خودآرایی بکنند. در

عین حال اگر جانب عفاف را رعایت کنند و خود را پوشیده دارند بهتر است و خدا شنوا و داناست.».

این آیه در باره یک استثناء سخن می گوید. مقصود از «قواعد» کیانند؟ مقصود زنان سالخورده‌ای هستند که از جنبه زن بودن بازنشسته شده‌اند، یعنی دیگر مطلوب مرد از نظر جنسی واقع نمی‌شوند و لذا امیدی به ازدواج ندارند. ممکن است طمع داشته باشند ولی امید ندارند. جمله «إِنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ» می‌فهماند که زن دو نوع لباس دارد: یکی لباس بیرون و دیگر لباس داخل منزل. آنچه رخصت داده شده است این است که زنان سالخورده می‌توانند لباس رو را دریاورند ولی در عین حال به آنها اجازه خودنمایی و خودآرایی داده نشده است.

از جمله «وَإِنْ يَسْتَغْفِرْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» می‌توان یک قانون کلی استنباط کرد و آن این است که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر را بیشتر مراعات کند پسندیده‌تر است.

۳- عشوه گری و تبرج ممنوع

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا* وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

الأولی (احزاب ۳۲ و ۳۳) «ای زنان پیغمبر! شما همچون سایر زنان نیستید اگر پرهیزکار باشید. مواظب باشید که در سخن نرمش زنانه و شهوت آلود به کار نبرید که موجب طمع بیمار دلان گردد. به خوبی و شایستگی سخن بگویید. در خانه‌های خویشان قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخستین به خودنمایی و خودآرایی از خانه بیرون نشوید.»

پیام های مهم آیه

۱. درست است که این آیه خطاب به همسران پیامبر است اما در حقیقت خطاب به همه زنان مسلمان است.

۲. مقصود از این دستور، زندانی کردن زن در خانه نیست، زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زنان خود را با خود به سفر می‌برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی‌فرمود. مقصود از این دستور آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود و مخصوصاً در مورد زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این وظیفه سنگینتر و مؤکدتر است.

۳. در آیه ۵۳ همین سوره ورود بدون اذن به خانه پیامبر (ص) را ممنوع اعلام کرده و مومنان را مورد خطاب قرار داده تا اگر می‌خواهند

چیزی از زنان پیغمبر بگیرند، از پشت پرده بخواهند بدون اینکه داخل اتاق شوند. و این به معنی سختگیری نیست بلکه ابن کار برای پاکیزگی دل بهتر خواهد بود.

۴. ذکر کلمه «حجاب» در آیه ۵۳ غیر از دستور «پوشش» است که مورد بحث ما می‌باشد. دستوری که در این آیه ذکر شده است راجع به سنن خانوادگی و رفتاری است که انسان باید در خانه دیگران داشته باشد.

۵. «ذِكْكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهایی که مستلزم نظر است رعایت نمایند به تقوا و پاکی نزدیکتر است.

۴- مشخص نمودن نوع پوشش

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا * لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (احزاب ۵۹ . ۶۰) ای پیغمبر! به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که جلبابهای (روسریها) خویش را به

خود نزدیک سازند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند نزدیکتر است و خدا آمرزنده و مهربان است.

پیام های مهم آیه

۱. اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که در شهر نگرانی به وجود می آورند، از کارهای خود دست برندارند ما تو را علیه ایشان خواهیم برانگیخت.

۲. در اینکه جلباب چه نوع لباسی را می گویند کلمات مفسرین و لغویین مختلف است و به دست آوردن معنای صحیح کلمه دشوار می باشد. در المنجد می نویسد: الْجِلْبَابُ: الْقَمِيصُ أَوْ الثَّوْبُ الْوَاسِعُ. جلباب پیراهن یا لباس گشاد است.

در مفردات راغب که کتاب دقیق و معتبری است و مخصوص شرح لغتهای قرآن نگاشته شده است می گوید: «الْجَلَابِيْبُ: الْقُمُصُ وَالْخُمُرُ» (یعنی پیراهن و روسری).

قاموس می گوید: وَالْجِلْبَابُ كَسِرْدَابٍ وَ سِنَمَارٍ الْقَمِيصُ وَ ثَوْبٌ وَاسِعٌ لِلْمَرْأَةِ دُونَ الْمِلْحَفَةِ أَوْ مَا تُغَطِّي بِهِ ثِيَابَهَا مِنْ فَوْقِ كَالْمِلْحَفَةِ، أَوْ هُوَ الْخِمَارُ..

جلباب عبارت است از پیراهن و یک جامه گشاد و بزرگ کوچکتر از ملحفه و یا خود ملحفه (چادر مانند) که زن به وسیله آن تمام جامه‌های خویش را می‌پوشد، یا چارقد.

در لسان العرب می‌نویسد: الْجِلْبَابُ ثَوْبٌ أَوْسَعُ مِنَ الْخِمَارِ دُونَ الرِّدَاءِ تُغَطِّي بِهِ الْمَرْأَةُ رَأْسَهَا وَصَدْرَهَا. جلباب جامه‌ای است از چارقد بزرگتر و از عبا کوچکتر. زن به وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند.

عبارت کشف نیز قریب به همین است و در تفسیر مجمع البیان آنجا که لغت را معنی می‌کند می‌گوید: الْجِلْبَابُ خِمَارُ الْمَرْأَةِ الَّتِي يُغَطِّي بِرَأْسِهَا وَوَجْهِهَا إِذَا خَرَجَتْ لِحَاجَةٍ.. جلباب عبارت است از روسری‌ای که در موقع خروج از منزل به کار برده می‌شود و سر و صورت را با آن می‌پوشانند.

چنانکه ملاحظه می‌شود معنی «جلباب» از نظر مفسران چندان روشن نیست.

۳. آنچه صحیحتر به نظر می‌رسد این است که در اصل لغت کلمه

«جلباب» شامل هر جامه وسیع می‌شده است ولی غالباً در مورد روسریهایی

که از چارقد بزرگتر و از ردا کوچکتر بوده است به کار می‌رفته است. ضمناً

معلوم می‌شود دو نوع روسری برای زنان معمول بوده است: یک نوع

روسریهای کوچک که آنها را «خِمار» یا «مقنعه» می‌نامیده‌اند و معمولاً در

داخل خانه از آنها استفاده می‌کرده‌اند. نوع دیگر روسریهای بزرگ که مخصوص خارج منزل بوده است. این معنی با روایاتی که در آنها لفظ «جلباب» ذکر شده است نیز سازگار است.

۴. بنابراین مقصود از نزدیک ساختن جلباب، پوشیدن با آن می‌باشد؛ یعنی وقتی می‌خواهند از خانه بیرون بروند روسری بزرگ خود را با خود بردارند.

گروهی از منافقین اوایل شب که هوا تازه تاریک می‌شد در کوچه‌ها و معابر مزاحم کنیزان می‌شدند. گاهی از اوقات این جوانان مزاحم و فاسد متعرض زنان آزاد نیز می‌شدند و بعد مدعی می‌شدند که ما نفهمیدیم آزاد زن است و پنداشتیم کنیز است. لذا به زنان آزاد دستور داده شد که بدون جلباب یعنی درحقیقت بدون لباس کامل از خانه خارج نشوند تا کاملاً از کنیزان تشخیص داده شوند و مورد مزاحمت و اذیت قرار نگیرند.

بیان مذکور خالی از ایراد نیست، زیرا چنین می‌فهماند که مزاحمت نسبت به کنیزان مانعی ندارد و منافقین آن را به عنوان عذری مقبول برای خود ذکر می‌کرده‌اند، در حالی که چنین نیست. اگرچه پوشانیدن موی سر بر کنیزان واجب نبوده است و شاید رمز آن هم این بوده که وضع کنیز معمولاً جالب

و تحریک آمیز نیست و مورد رغبت کسی واقع نمی‌شود و به علاوه کارشان خدمت بوده است، ولی در هر حال این مزاحمتها حتی در مورد کنیزان نیز گناه محسوب می‌شده است و منافقین نمی‌توانسته‌اند کنیز بودن را عذر خود قلمداد کنند. (مسئله حجاب، شهید مطهری، ج ۱، ص ۱۷۶)

۵. وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی‌کنند متعرض آنها شوند. چرا که زنان نجیب و عفیف با این نماد شناخته می‌شوند و بیماردلان از اینکه به آنها طمع ببندند چشم می‌پوشند.

۶. زن مسلمان باید آنچنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، و در این وقت است که بیماردلان که دنبال شکار می‌گردند از آنها مأیوس می‌گردند و فکر بهره‌کشی از آنها در مخیله‌شان خطور نمی‌کند. می‌بینیم که جوانان ولگرد همیشه متعرض زنان جلف و سبک و لخت و عریان می‌گردند. وقتی که به آنها اعتراض می‌شود که چرا مزاحم می‌شوی، می‌گویند اگر دلش این چیزها را نخواهد با این وضع بیرون نمی‌آید.

۷. نکته‌ای از آیه ۶۰ سوره احزاب استفاده می‌شود و آن این است که افرادی که در کوچه هاو خیابانها مزاحم زنان می‌گردند از نظر قانون اسلام مستحق مجازات سخت و شدیدی می‌باشند. تنها مثلاً آنها را به کلانتری جلب کردن و تراشیدن سر آنها کافی نیست، بسیار سخت‌تر باید مجازات شوند. قرآن می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» یعنی اگر اینها دست از عمل زشت خود برندارند تو را فرمان می‌دهیم که به آنها حمله بری که دیگر جز اندکی در پناه تو نخواهند بود. حداقل آنچه از این آیه مفهوم می‌شود تبعید آنها از جامعه پاک اسلامی است. جامعه هر اندازه برای عفاف و پاکی احترام بیشتری قائل باشد برای خائنان مجازات شدیدتری قائل می‌شود.

(ب) حجاب در روایات اسلامی

در روایات معصومین (ع) تأکیدات بسیار ویژه‌ای بر رعایت حجاب بانوان و لزوم حفظ عفت اجتماعی شده است. برای مثال در گروهی از این روایات با بیان ضرورت حجاب، حدود و ثغور آن اعم از سنی که دختران باید حجاب بر سر گذارند یا تعیین محدوده زینت یا مقداری از بدن که باید

پوشیده شود، تبیین شده است. از سویی دیگر، روایات بسیار فراوانی در تبیین اهمیت حياء و عفاف در جامعه اسلامی به عنوان دو امری که ارتباط تنگاتنگی با مقوله حجاب دارند، بیان شده است و این بحث از جنبه‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است.

علاوه بر آن بر اساس مستندات تاریخی، عملکرد پیامبر اسلام(ص) و حضرت امیرالمومنین علی(ع) در جامعه معاصرشان نشان دهنده حساسیت ویژه آن بزرگواران برای اقامه عملی حجاب و زمینه‌سازی برای حاکمیت دستورات الهی و فضای عفت در جامعه بوده است. در کنار همه اینها سیره عملی بانوانی از اهل بیت(ع) مانند حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) را داریم که لحظه لحظه حیات شان، ارائه کامل ترین و بهترین الگوی عملی عفاف و حجاب و غیرتمندی بر این فضیلت اخلاقی است.

۱- در حدیثی از امام صادق(ع) می خوانیم: «لَا يَصْلُحُ لِلْجَارِيَةِ إِذَا حَاضَتْ إِلَّا أَنْ تَخْتَمِرَ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَهُ» دختر بایستی بعد از بلوغ خمار [روسری] بر سر نهد مگر اینکه قادر به تهیه آن نباشد. (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳۲) شبیه به این روایت از آن امام، این بیان نیز نقل شده است که: «بر دختری که

به سن بلوغ می رسد، روزه و حجاب واجب است. (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۴، ص ۴۰۹)

۲- یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام فضیل بن یسار از ایشان روایت می کند که «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الذَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ أَهْمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؟ قَالَ نَعَمْ وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَمَا دُونَ السَّوَارِيْنِ» از امام صادق پرسیدم آیا ساق دستهای زنان از زینت است؛ زینتی که خدا فرموده است: «باید زنها آنها را آشکار نکنند»؟ آن حضرت فرمود: آری [ساق دست زن باید پوشیده باشد] و نیز آنچه روسری آن را می پوشاند [مثل گردن] و بالاتر از جای دستبند [مثل ساق و آرنج و بازو] نیز از زینت محسوب می شود که باید پوشیده شود. (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲۱)

۳- امام علی (ع) نیز هنگام به دست گرفتن زمام خلافت در کوفه مردان عراقی را این گونه سرزنش می نمود که «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ بُنِّتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمْ مَا تَسْتَحْيُونَ؟» (ای مردم عراق، به من خبر رسیده که زنان شما در راهها به مردان تنه می زنند، [چرا عکس العملی نشان نمی دهید] آیا حیا نمی کنید. (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳۷)

۴- فضیل بن یسار از امام باقر(ع) این گونه روایت می کند. «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مَا كَانَ خِمَارُهَا إِلَّا هَكَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى وَسْطِ عَضُدِهِ» (فاطمه سیده زنان بهشت است و مقنعه او تا اینجا بیشتر نبود و [امام باقر] با دست تا وسط بازو را نشان داد. (مکارم اخلاق طبرسی، ص ۹۳)

۵- روایت قاضی نعمان از امام صادق(علیه السلام) نیز تصویری دیگر از مقام والای حجاب و عفاف آن بانوی مطهر را ترسیم می کند. «اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ(س)، فَحَجَبَتْهُ. فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ(ص): لِمَ تَحْجُبِيْنَهُ وَ هُوَ لَا يَرَاكِ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي، فَإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي» مرد نابینایی از فاطمه(س) اذن ورود به منزل گرفت، فاطمه(س) به خاطر او حجاب گرفت. پیامبر(ص) به دخترش فرمود برای چه خود را از فرد نابینایی پوشاندی؟ فاطمه عرض کرد: اگر او مرا نبیند، من او را می بینم و او [اگر چه نابیناست، اما] بو را تشخیص می دهد. پیامبر فرمود: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی. (دعائم الاسلام، ابن حیون، ج ۲، ص ۲۱۴)

۶- عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْقُمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ، قَالَ: هِيَ الثَّيَابُ وَالْكَحْلُ وَالْخَاتَمُ وَ خِضَابُ الْكَفِّ وَ السَّوَارُ. وَالزَّيْنَةُ ثَلَاثُ: زَيْنَةُ

لِلنَّاسِ وَ زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ وَ زَيْنَةُ الزَّوْجِ، فَأَمَّا زَيْنَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَاهَا، وَ أَمَّا زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا وَ الدَّمْلُجُ وَ مَادُونُهُ وَ الْخَلْخَالُ وَ مَا اسْفَلَ مِنْهُ، وَ أَمَّا زَيْنَةُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ. امام باقر علیه السلام فرمود: زینت ظاهر عبارت است از جامه، سرمه، انگشتر، خضاب دستها، النگو. سپس فرمود زینت سه نوع است: یکی برای همه مردم است و آن زینت آشکار است. دوم برای محرم‌هاست و آن جای گردن‌بند به بالاتر و جای بازوبند به پایین و خلخال به پایین است. سوم زینتی است که اختصاص به شوهر دارد و آن تمام بدن زن است. (تفسیر صافی، ذیل آیه ۳۱ سوره نور)

۷- «اسماء» دختر ابوبکر (خواهر عایشه) به خانه پیغمبر اکرم آمد درحالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم روی خویش را از او برگرداند و فرمود: یا اسماءُ انَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتِ الْمَحِيضَ لَمْ تَصْلُحْ أَنْ يُرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَ هَذَا - وَ اِشَارَ إِلَى كَفِّهِ وَ وَجْهِهِ.. ای اسماء! همینکه زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و این - اشاره فرمود به چهره و قسمت مچ به پایین دست خودش. (سنن ابوداود، ج ۲، ص ۳۸۳)

(ج) حجاب در گفتمان امامین انقلاب

بدون تردید، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مبتنی بر فلسفه عملی احکام اسلامی شکل گرفته و تلاش می‌شود در این نظام دینی دستورات و احکام الهی به منصفه عمل و اجرا درآیند. از این رو، امام خمینی (ره) در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود در قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن به ضرورت رعایت پوشش اسلامی در اجتماع تاکید داشته‌اند. حضرت امام از ابتدای شکل‌گیری مبارزات خویش به صورت صریح و قاطع بر لزوم رعایت صحیح آموزه‌ها، ارزش‌ها و موازین اسلامی تاکید داشتند و در بیانات و مصاحبه‌های متعدد آزادی و ترقی جامعه را در چارچوب رعایت ارزش‌های مترقی اسلامی می‌دانستند و در مورد حجاب نیز تصریح می‌فرمودند که اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی روی آورند.

امام (ره) در جمع بانوان جامعه الزهراء (س) به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۶۳ فرمودند: کوشش کنید در تهذیب اخلاق و در وادار کردن دوستان‌تان به تهذیب اخلاق. کوشش کنید که در مقابل آن جنایاتی که بر شما وارد شد عکس العمل نشان بدهید، در حفظ همه حیثیاتی که حیثیت بزرگ زن است، آن طوری که حضرت زهرا سلام الله علیها

بود. همه باید به او اقتدا کنید و کنیم و همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله او و فرزندان او بگیریم، و همان طوری که او بوده است، باشید. و در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است. و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماسست. (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۴)

آیت الله طالقانی در تاریخ ۲۰ اسفند ۵۷ در مصاحبه ای اعلام می کنند که: حجاب اسلامی حجاب شخصیت و وقار است و هیچ اجباری هم در مورد آن در کار نیست... مسلماً نظر امام هم به مصلحت زنان ما و هم خواهران و دختران ماست و هم مطابق با موازین اصول دین مبین اسلام است... حجاب یک مسئله ی سنتی و تاریخی است در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق... اشتباه می کنند خانم های ما که اگر یک روسری روی سرشان بگذارند این ها از حیثیت آن ها کم خواهد شد... حجاب ساخته ی من و فقیه و این ها هم نیست، نص صریح قرآن است. آیه ی حجاب برای شخصیت دادن به زنان است... آیا این مانع از آن است که کار اداری داشته باشند؟ نه. مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشند؟ نه. به شرطی که در راه خدمت باشد...

اصل مسئله این است که هیچ اجباری هم در کار نیست و مسئله‌ی چادر هم نیست.»

حضرت امام نیز در پاسخ به یک خبرنگار زن فرانسوی که درباره‌ی مسئله‌ی حجاب و اعتراض زنان ایرانی پرسیده بود، پاسخ داد: «همان نظراتی که آقای آیت الله طالقانی فرمودند، مورد نظر من و صحیح است.»

«و البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزشهای شماس است. هرچه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که، آن ارزشهای واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی یا دستهای فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می شدند اینها، این ارزشها زنده بشود.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۵)

۱۶ اسفند ۵۷، امام خمینی در مدرسه فیضیه قم فرمودند: «الآن وزارتخانه ها- این را می گویم که به دولت برسد، آنطوری که برای من نقل می کنند- باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه های اسلامی نباید زن های لخت بیایند؛ زن ها

بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۲۹)

و در جای دیگر وزارتخانه ها را مورد عتاب قرار داده و می فرمایند: «زنان اسلامی باید با حجاب اسلامی بیرون بیایند. نه این که خودشان را بزک کنند. زن ها هنوز در ادارات با وضع پیشین کار می کنند. زن ها باید وضع خودشان را عوض کنند... به من گزارش داده اند که در وزارتخانه های ما زن ها لخت هستند و این خلاف شرع است. زن ها می توانند در کارهای اجتماعی شرکت کنند ولی با حجاب اسلامی.» (روزنامه اطلاعات، ۱۶ اسفند ۵۷)

مقام معظم رهبری نیز در بیانات مکرر به مسئله حجاب پرداخته و زنان ایران اسلامی را به رعایت شئون اسلامی و حفظ حریم زن سفارش کرده است. با توجه به اتفاقاتی که این روزها در داخل کشور مشاهده می شود، نگاه ها به موضوع حجاب صد چندان شده و نظرات مختلفی توسط مسئولین و مردم در برهه های مختلف مطرح می شود. مقام معظم رهبری در جمع بانوان در ۱۴ دی ماه سال ۱۴۰۱ در خصوص ضرورت حجاب می فرمایند: «حجاب یک ضرورت شریعتی است؛ شریعت است؛ ضرورت شرعی است؛ یعنی هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد؛ این را

همه باید بدانند. این که حالا خدشه کنند، شبهه کنند که آیا حجاب هست، لازم است، ضروری است، نه، جای خدشه و شبهه ندارد؛ یک واجب شرعی است که باید رعایت بشود، منتها آن کسانی که حجاب را به طور کامل رعایت نمی‌کنند، اینها را نباید متهم کرد به بی‌دینی و ضدانقلاب».

و در فرازی دیگر حجاب بانوان و حضور ایشان با رعایت حدود الهی را خنثی کننده توطئه دشمنان خوانده و فرمودند: در این قضایا [اغتشاشات ۱۴۰۱]، خب دیدید دیگر، علیه حجاب خیلی کار شد؛ چه کسی ایستادگی کرد در مقابل این تلاش‌ها و فراخوان‌ها؟ خود زن‌ها؛ زن‌ها ایستادگی کردند. آنها امیدشان به همین زن‌هایی بود که شما به آنها می‌گویید بدحجاب؛ امیدشان به اینها بود. اینها امیدشان این بود که همین‌هایی که حجاب نیمه‌کاره دارند بکلی کشف حجاب کنند، (ولی) نکردند؛ یعنی زدند تو دهن آن تبلیغ‌کننده و فراخوان فرستنده‌ها.

در خصوص مسئله پوشش در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ فرمودند: «مسئله‌ی خانم‌ها که فقط پوشش نیست؛ زن مسئله‌ی تحصیل دارد، مسئله‌ی اشتغال دارد، مسئله‌ی ازدواج دارد، مسئله‌ی فعالیت سیاسی دارد، مسئله‌ی حضور در مسائل اجتماعی دارد، مسئله‌ی

حضور در مدیریت‌های بالای دولتی دارد؛ اینها همه مسائل زن است. در کدام [یک] از اینها در کشور آزادی وجود ندارد؟ جمهوری اسلامی در کدام یک از این موارد در کار زن‌ها دخالت کرده و جلوی آزادی‌شان را گرفته؟ این‌همه دختر محصل، این‌همه دختر دانشجوی، این‌همه زن دارای مشاغل بالای دولتی، این‌همه خانم‌های تشکیل‌دهنده‌ی اجتماعات بزرگ، این حضور فعال زن‌ها در اجتماعات مؤثر دوران مبارزات، قبل از پیروزی انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب، در جنگ، در پشت جبهه، تا امروز در تظاهرات، در راه‌پیمایی‌ها، در بیست‌ودوم بهمن، در روز قدس؛ زن در کجای دنیا این‌همه فعالیت انجام می‌دهد که زنان ایرانی و بانوان ایرانی با افتخار و سربلندی دارند انجام می‌دهند؟ ... در مسئله‌ی پوشش، خب بله، مسئله‌ی حجاب محدودیت شرعی و قانونی است؛ آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و شرعی است؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که اینها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من می‌دانم. خیلی از اینها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرعند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [متها] توجه ندارند که چه کسی پشت این سیاست

رفع حجاب و مبارزه‌ی با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند. به هر حال، این مسئله قطعاً حل خواهد شد.»

رهبر معظم انقلاب در مقوله حجاب به عنوان یکی از واجبات الهی و مسائل اساسی زنان سخنان مبسوطی دارند که می‌توان به آن رجوع مجدد کرد و در جلسات و مباحثات به آن استناد نمود. ایشان در اول فروردین سال ۱۳۸۹ در جمع پرستاران نمونه کشوری به تلاش دشمنان برای به انحطاط کشاندن زن مسلمان اشاره کرده و می‌فرمایند: «دنیای فاسد غرب خواستند بروز زن را، شخصیت زن را در روش‌های غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند. زن برای این که شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد. این شد شخصیت برای یک زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ این غرب مست دیوانه‌ی از همه جا بی‌خبر، تحت تأثیر دست‌های صهیونیستی، این را به عنوان تجلیل از زن علم کرد؛ یک عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان

را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است. عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤنانه؛ این را بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و بُرندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زن‌هاست».

ایشان در خصوص نوع پوشش فرمودند: ما هیچ وقت نگفتیم که «حتماً چادر باشد، و غیرچادر نباشد». گفتیم که «چادر بهتر از حجاب‌های دیگر است». ولی زنان ما می‌خواهند حجاب خودشان را حفظ کنند. چادر را هم دوست دارند. چادر، لباس ملی ماست. چادر، پیش از آن که یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست. (بیانات در جمع پرستاران در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۷۳)

رهبر معظم انقلاب در خصوص هوچی‌گری علیه زنان مسلمان می‌فرمایند: هوچی‌گری‌های آنها (دشمنان اسلام) در مورد زن (زیاد) است؛ آن وقت راجع به زن بحث می‌کنند. (می‌گویند) شما حجاب را اجباری کردید. خود آنها بی‌حجابی را اجباری می‌کنند، دختر دانشجو را تو دانشگاه راه

نمی‌دهند، به خاطر اینکه روسری دارد، آن وقت به ما می‌گویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است. و از این قبیل مواردی هست که اینها هوچی‌گری‌های غرب است. (بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳/۱۰/۱۳۸۶)

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص تلاش دشمنان برای نابودی خانواده مسلمانان نیز می‌فرمایند: «زن غربی با ورود در منجلا ب فساد، دست‌آوردش نابودی خانواده بود. این جور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت‌های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه‌ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه‌ی اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای این‌که از همه‌ی کارهای دیگر بمانند.» (بیانات در دیدار با مردم قم، نوزدهم دی‌ماه ۱۳۸۶)

آثار و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی بدحجابی

بدحجابی از مسائلی است که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند. پوشش نامناسب پیامدها و آثار جبران ناپذیری در فرهنگ، اخلاق، اعتقاد، اقتصاد و

امنیت جامعه دارد که گاه مسیری انحرافی و بازگشت ناپذیری پدید می‌آورد. از این منظر نوع نگاه به حجاب مهم است؛ آیا حجاب، فقط جنبه شخصی و فردی دارد؟ آیا حجاب، امری اجتماعی و مربوط به قلمروی ارتباطات جامعه است؟ و یا اینکه می‌شود مقوله حجاب را دارای هر دو جنبه دانست: اجتماعی و شخصی؟

بشر به اهمیتی که برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه هم ارزش می‌نهد و بیماری جامعه را بیماری خود می‌داند؛ هم‌چنان‌که تلاش می‌کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور بپرهیزد و یا از واکسن‌های پیش‌گیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را به کار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری‌های اخلاقی و روانی پرهیز دهد تا دیگر افراد جامعه به رشد، تعالی و سعادت برسند. بدحجابی از مسائلی است که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند. پوشش نامناسب پی‌آمدها و آثار جبران ناپذیری در فرهنگ، اخلاق، اعتقاد، اقتصاد و امنیت جامعه دارد که گاه مسیری انحرافی و بازگشت ناپذیری پدید می‌آورد. این نگارش آثار و پی‌آمدهای گسترش بدحجابی را از دو منظر فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌کند.

فرهنگ هر جامعه‌ای از جنبه‌های گوناگونی تشکیل یافته است. جنبه‌های هنجاری فرهنگ جامعه، از ارزش‌ها و قواعد خاص رفتاری تشکیل می‌شود. هنجارها نشان می‌دهند که چه چیزی ارزش و ضد ارزش است؛ مانند شیوه‌های پوشش برگرفته از فرهنگ آن جامعه. تلقی بد از بدحجابی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب، در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می‌گذارد. قبل از هر چیز باید فرهنگ را تعریف کنیم تا آثار و پی‌آمدهای گسترش فرهنگ بدحجابی روشن شود. معروف‌ترین تعریف از فرهنگ از تایلور انسان‌شناس معروف انگلیسی است. او می‌گوید: فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دانش، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسم و هر استعداد و عادت دیگری را که بشر به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند، شامل می‌گردد. کلارک نیز می‌گوید: تمامی مظاهر و شئون زندگی یک ملت را فرهنگ آن ملت تشکیل می‌دهد. بنابراین، رفتارهای اجتماعی معجونی از آنچه جامعه از علم و دانش، باورها و مسائل اخلاقی کسب می‌کند و قوانینی است که از دین و آیین افراد سرچشمه می‌گیرد. در کنار این‌ها، برخی رسوم و عادات اجتماعی، در طول زمان سهم بسیاری در شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه

دارند که هسته اصلی حیات اجتماعی را به وجود می‌آورند و در الگوهای رفتاری و هنجارهای فردی و اجتماعی بسیار تأثیر گذارند. آثار و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی بدحجابی عبارتند از:

الف) وادادگی در برابر فرهنگ بیگانه

داد و ستد فرهنگی مفید است، بلکه برای هر جامعه‌ای لازم به نظر می‌رسد. تجربه نشان داده که تعامل یا تبادل فرهنگی از عوامل بالندگی و پویایی جوامع است. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. اما در دنیای کنونی، فرهنگی که قادر نباشد عناصر فرهنگی مفید را جذب و عناصر غیرمفید را دفع کند و در الگوهای مختلف اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشد، فرهنگ مهاجم با الگودهی آن را تخریب می‌کند؛ ارزش‌ها و هنجارهای آن را نادیده می‌انگارد و با غلبه و تهاجم، ارزش‌ها و الگوهای مورد نظر خویش را جای‌گزین می‌کند تا در این ره‌گذر به اهداف خود دست یابد. بنابراین، فرآیند بدحجابی، مقدمه تهاجم گسترده‌تر به فرهنگ مقابل و شکستن هنجارها و جای‌گزین ساختن هنجار مورد نظر فرهنگ مهاجم

است. چنین جامعه‌ای به نظر اسپنسر، جامعه‌شناس معروف، قدرت دفاعی خود را از دست می‌دهد و در مقابل بیماری‌ها، قدرت مقابله و دفاع ندارد و با ورود کوچک‌ترین عامل مخرب، از بین می‌رود. احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و بی‌هویتی اجتماعی، زمینه‌ساز پذیرش تهاجم فرهنگی است. بنابراین، جامعه‌ای که دچار تهاجم فرهنگی گردد و تغییرات اجتماعی در آن سریع صورت گیرد، ارزش در آن جامعه ناپایدار است و هنجارشکنی در آن مرسوم می‌شود و در برابر فرهنگ بیگانه همیشه از خود وازدگی نشان می‌دهد و در نتیجه، بحران‌زا می‌گردد. سوغاتی که بدحجابی به همراه دارد، تنها پوشش نامناسب نیست؛ بلکه ترویج لباس‌های نامناسب، بزرگ کردن‌ها و... را به دنبال دارد. در نتیجه، افراد متحمل بسیاری از الگوهای دیگر از فرهنگ بیگانه می‌شوند.

ب) سلطه بیگانگان و تأمین منافع آنان

هر جامعه‌ای در پی آن است که به ارزش‌های خود پایبند باشد و جامعه خود را از فرهنگ‌های بیگانه مصون نگه دارد تا افراد از سلامت و ثبات لازم برخوردار باشند. چنین جامعه‌ای سریع‌تر می‌تواند به اهداف خود برسد و آرمان‌های خود را عملی سازد. بنابراین، استعمارگران در جایی که ببینند

جامعه‌ای مطابق با منافع، اهداف و خواسته‌های آنها پیش نمی‌رود. برای رسیدن به منافع خود و چپاول آن، غیرمستقیم طرح‌هایی مانند ترویج بدحجابی و بی‌حجابی می‌ریزند تا افراد را مشغول و سرگرم کنند و به اهداف شوم خود برسند. در طرح استعماری ترویج بدحجابی و بی‌حجابی از سوی انگلستان، خطاب به مأموران این کشور چنین آمده است: باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی، ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن‌که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب سوق دهند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند.» رهبر فرزانه انقلاب در این باره می‌فرمایند: این چیزهایی که شما می‌شنوید درباره مبارزه با دختران محجبه در فرانسه، اینها جرقه‌هایی است؛ آتش‌های زیر خاکستر است و از یک کار عظیم پشت پرده خبر می‌دهد. به راستی، دشمنان انقلاب اسلامی در تهاجم به ارزش‌های مقدس ما می‌خواهند تقدس‌زدایی کنند. آن‌گاه به اهداف شوم خود برسند.

ج) گسترش فساد و تباهی

«ارزش‌های جامعه، آن دسته از عوامل و عناصری هستند که اکثریت یک جامعه به اعتبار و اهمیت آنان ایمان دارند و بدان‌ها ارج می‌گذارند». در جامعه‌ای که حجاب، متانت، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود، به بینش و باور خویش سرایت می‌دهد و از طرفی نه تنها زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌سازد و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن، روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و خود و اجتماع را به تباهی و فساد و بالاخره به ضدارزش‌ها می‌کشانند. زمانی این سؤال مطرح بود که بر اساس روایات، در آخرالزمان زنان پوشیده ولی برهنه‌اند. این پارادوکس را چگونه می‌شود حل کرد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: *يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٌ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٌ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِيلَاتٌ الْمُحَرَّمَاتِ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ*؛ در آخرالزمان که بدترین زمان‌هاست، زنانی هستند که پوشیده اما

برهنه‌اند و از خانه با خودآرایی بیرون می‌آیند. اینان از دین بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها وارد شده و به شهوات تمایل پیدا کرده‌اند و به کوی لذات نفسانی در شتابند و حرام‌ها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند. بنابراین، امروزه پاسخ این سؤال روشن شده است که بعضی زنان پوشش دارند ولی بدحجاب یا بی‌حجابند، پوشش دارند ولی عریان و برهنه‌اند. چنین مسائلی آدمی را از ارزش‌ها دور می‌سازد و در فتنه‌ها وارد می‌نماید و از همه بالاتر گاهی از دین خارج می‌کند.

(د) افت آموزشی و کاهش شدید سرعت رشد علمی کشور

فرهنگ هر جامعه‌ای، به آموزش‌های آن بستگی دارد. هر قدر آموزش‌ها از غنای بیشتری برخوردار باشد، فرهنگ آن جامعه بالاتر خواهد بود. نخبگان و فرهیختگان، در پرتو تحصیلات شناخته می‌شوند. جامعه‌ای که دانش‌مندان آن بیشتر باشد، معمولاً از تمدن بالاتری برخوردار است و پویایی در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً مشاهده می‌شود. خلاصه، پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو آموزش آن است. دختران و پسران اگر در کنار تحصیل، دل مشغولی‌های دیگری داشته باشند، از تحصیل باز می‌مانند و وقت زیادی از فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلی آنان به هدر

می‌رود. بسیاری از مشاوران از صحبت‌های دختران و پسران جوان درباره مدهای روز و آرایش‌های جدید گله‌مند هستند. نمی‌خواهیم بگوییم دختران و پسران باید در دانشگاه‌ها کاملاً از هم جدا باشند و دیواری بین آنها کشیده شود. اگر اینها فضای آموزشی را رعایت کنند و محیط را محیط درس بدانند و از آنچه برازنده فضای آموزشی نیست پرهیز کنند، بسیار تحسین برانگیز خواهد بود. به گفته مربیان تربیتی، در مدرسی که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و بی‌مسئولیتی به خوبی مشاهده شده است. زیرا دختران در چنین محیطی، با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند و تمرکز ذهنی و روحی را از آنان می‌گیرند و باعث افت تحصیلی آنان می‌شوند و خود نیز دیگر حوصله درس خواندن ندارند و تمام حواسشان به لباس و نوع پوشش است. روح مطالعه و تحقیق در آنها خاموش می‌شود و افت تحصیلی پیدا می‌کنند.

ه) کم رنگ شدن حضور مثبت و سازنده زنان در جامعه

زن در بسیاری از جوامع در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... شرکت می‌کند و سهم بسزایی در این زمینه‌ها دارد. بنابراین، حضور زنان در جامعه امری انکارکردنی نیست و روز به روز به این فعالیت

ها اضافه می شود و زنان دوشادوش مردان در تمامی زمینه ها به فعالیت می پردازند. حال آیا پوشش می تواند بر حضور زن در جامعه تأثیر داشته باشد یا خیر؟ پاسخ بسیار روشن است؛ زیرا اسلام همان گونه که به اختلاط مرد و زن نامحرم هشدار داده و آنان را از پیامدهای بد و زشت آن بازداشته است، به پوشش و حجاب او توجه خاصی داشته تا حضور او را در جامعه حفظ و سلامت نفسانی جامعه را تضمین کند. زنان بدحجاب در محل کار، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، تمرکز فکری لازم را از دست می دهند؛ در حالی که لازمه کار و تلاش جدی در محل کار، حضور قلب و تمرکز حواس است. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی پردازد، بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود می سازد. در نتیجه، چرخه فعالیت کاری جامعه به کندی رهنمون می شود. از طرفی خانواده هایی که غیرت دینی بالایی دارند، از حضور دختران و زنان خود در چنین جامعه ای نگران هستند و مانع حضور پرشور آنها در فعالیتهای اجتماعی خواهند شد. در نتیجه، جامعه ضرر خواهد کرد و بخش بزرگی از نیروهای کاری را از دست خواهد داد.

و) افزایش اختلالات روحی و روانی در جامعه

اختلال روحی و روانی از آثار ناگوار بدحجابی در جامعه است. برخی از دختران و زنان، بر اساس نیاز ذاتی خود برای جلب رضایت محیط و توجه

بیشتر بینندگان، به خودآرایی و جلوه گری و ارائه پوشش غیرمتعارف می‌پردازند و افکار خود را در بعد تمایلات و تخیلات موهوم، تقویت می‌کنند. بنابراین، پوشش و حجاب ناقص فشارهای فراوانی را بر روح و روان افراد وارد می‌سازد. چنین افرادی همیشه در پی آنند که خود را به گونه ای ارائه دهند که افکار و نگاه های آلوده و هوس انگیز را به خود جلب کنند و شخصیت خود را با خواسته های دیگران همگون سازند. این خواسته‌ها محدود نیست و وقتی دختران نتوانند خود را مطابق خواسته‌ها ارائه دهند، افراد جامعه ثبات روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و امیدها و آرزوها به ناامیدی می‌گراید. شهید مطهری این فرایند را این چنین توضیح می‌دهد: «روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان می‌کنیم تحریک پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان طور که بشر در ناحیه ثروت و مقام، از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در امور جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی

است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها که به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری‌های روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیررسمی انجام می‌شود». (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۹، ص: ۴۳۷)

آثار و نتایج مثبت فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه

حجاب اسلامی، به عنوان بخشی از منظومه عفت کارکردها و آثار فراوانی دارد. حجاب موجب تقویت پاکی و عفت می‌شود و در نهایت موجب بهبود عزت نفس او می‌شود. میزان عزت نفس در زنان بر اساس نحوه پوششان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به عبارتی می‌توان گفت حجاب راهی است در جهت افزایش عزت نفس زنان. بنابراین زنان با رعایت حجاب می‌توانند عزت نفس خود را حفظ کنند و کمتر درگیر بیماری‌های روانی مختلف می‌شوند. برخی از آثار و فوائد مثبت حجاب عبارتند از:

۱. حفظ حریم خانواده: پوشش کامل اسلامی موجب می‌شود که مردان برای رسیدن به وصال زنان مطلوب خویش، راهی جز ازدواج نداشته باشند. به

عبارت دیگر در هیچ مرحله ای، نیازهای جنسی شان در جامعه و از راه حرام حتی از طریق نگاه تأمین نمی شود. هنگامی که زنان بسیار آسان و ارزان در اختیار مردان قرار دارند، مسلماً آنان زحمت ازدواج و الزامات اخلاقی و حقوقی پس از آن را به خود نمی دهند و در ضمن خود را از تنوع موجود در حراج اجتماع محروم نمی سازند.

۲. **جلوگیری از فساد جنسی و سالم ماندن محیط جامعه:** کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند. برعکس آن چه که مخالفین حجاب خرده گیری کرده و گفته اند که حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است، بی حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی، موجب فلج کردن نیروی اجتماع است. پوشاندن بدن به استثناء وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آن چه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جوئی های شهوانی است. تبدیل شدن محیط کار به محفل لذت جوئی های جنسی و شهوترانی، از آثار شوم بی حجابی و بدحجابی در زمینه اقتصاد است. البته اساساً هرزگی و بی بند و باری افراد جامعه و نیروی انسانی مولد، از آن جا که ناآرامی های روانی و ناخوشی های جسمی را به

دنبال دارد، رشد فرهنگی و بالندگی علمی کشور ها و جوامع را هم دچار کندی می نماید. «حجاب اسلامی موجب هدر رفتن نیروی زن و ضایع ساختن استعداد های فطری او نیست. حجاب اسلام نمی گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی بروز استعداد های او را گرفت. مبنای حجاب در اسلام این است که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، خالص برای کار و فعالیت باشد. به همین جهت به زن اجازه نمی دهد که وقتی از خانه بیرون می رود، موجبات تحریک مردان را فراهم کند و به مرد هم اجازه نمی دهد که چشم چرانی کند. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند، موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می شود.» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۵، ص ۴۵۰)

۳. تبدیل زن به موجودی ارزشمند: شهید مطهری در کتاب «مسأله ی حجاب» یکی از نظریات مشهور در باب ریشه اخلاق جنسی زن (از قبیل حیا و عفت) را بررسی می نمایند و می فرمایند: «حیا و عفت و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است.» پوشیده بودن زن- در همان

حدودی که اسلام تعیین کرده است - موجب کرامت و احترام بیشتر اوست، زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می‌دارد. به عبارتی، شرافت زن اقتضا می‌کند هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، متین و سنگین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، لباس انگشت‌نما نپوشد، به گونه‌ای راه نرود که باعث جلب توجه شود، در هنگام صحبت کردن جوری صحبت نکند که باعث تحریک مردان شود.

۴. آرامش روانی جامعه: یکی از دلایل وجوب حجاب، ایجاد آرامش روانی و امنیت روحی در جامعه است؛ زیرا امنیت و آرامش در ابعاد مختلف زندگی، از حقوق مسلم همه انسان‌هاست و فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار میان زنان و مردان، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی بخشیده، حرص و ولع در امور جنسی را در بین افراد، افزایش می‌دهد. حجاب و پوشش مناسب زنان، زمینه آسیب‌پذیری مردان را کم می‌کند. نگاه به زیبایی‌های زنان، حتی اگر به حد چشم‌چرانی که در روانکاوی نوعی ناهنجاری شمرده می‌شود، نرسد، انحراف از مسیر حق و خروج از

دایره کرامت انسانی محسوب می شود و پوشش نامناسب زنان و تحریک جنسی مردان، باعث به وجود آمدن انحراف می شود.

پیامدهای فردی - تربیتی و خانوادگی کشف حجاب

توجه نکردن به آثار و کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب و رعایت نکردن آن، اثرات بسیار مخربی در زندگی زنان و جامعه دارد. منتسکیو در تحلیلی کارکردگرایانه می نویسد: از دست رفتن عفت زنان به قدری تأثیرات بد دارد و به اندازه‌ای نواقص و معایب تولید می کند و طوری روح مردم را فاسد می نماید که اگر کشوری دچار آن گردد و این اصل مهم از بین برود، بدبختی‌های زیادی از آن ناشی می گردد، به خصوص در حکومت دموکراسی، از دست رفتن عفت، بزرگ‌ترین بدبختی‌ها و مفساد را باعث می شود تا جایی که اساس حکومت را از بین خواهد برد. به این جهت، قانون‌گذاران خوب، عفت را توصیه و از زنان توقع وقار و اخلاق را دارند. (منتسکیو، روح القوانين، ج ۱، ص ۲۲۶)

در زیر به برخی از پیامدهای کشف حجاب اشاره می کنیم:

۱. **مغایرت با دستورات اسلامی:** بر اساس آیات و روایات، حجاب مورد

نظر دین مبین اسلام یک بعدی نبوده، بلکه همه ابعاد و جوانب شخصیتی

زن مسلمان را مد نظر قرار می‌دهد. در بررسی های صورت گرفته در قرآن و منابع مختلف روایی، رعایت حجاب و پوشش از ضروریات دین مبین اسلام است و عدم رعایت آن، مخالفت با دستورات شرع مقدس و فتاوی بزرگان دین بر اساس آنچه در بالا بدان اشاره کردیم می باشد. عدم رعایت حجاب توسط زنان و دختران در وهله اول بی توجهی به فرمان خداوند است؛ چرا که خداوند در آیه ۳۱ سوره مبارکه نور و در دیگر آیات با صراحت به زنان دستور می‌دهد که حجاب را رعایت کنند تا از نگاه خریدارانه دیگران به خود جلوگیری کنند و کیان خانواده و جامعه حفظ شود.

۲. ایجاد ناامنی برای بانوان: بدحجابی سبب ایجاد فرصت و فضای مناسب برای اشاعه ناامنی و هرج و مرج در حوزه فعالیت زنان و حتماً مردان می‌شود، طبق بررسی آمارها افراد بدحجاب بیشتر از دیگران در معرض خشونت و آسیب‌های اجتماعی هستند و حتی در محیط کار، عزت، احترام و قداست زنان محجبه بیشتر توسط کارکنان مرد رعایت می‌شود و مراجعان نیز علاقه‌مند هستند که فعالیت اداری و... آنان را زنان محجبه کارمند برایشان انجام دهند. رواج بدحجابی و بی حجابی توسط

زنان و دختران یک جامعه به‌ویژه در جوامع اسلامی علاوه بر پیامدهای اجتماعی، باورها و ارزش‌های اعتقادی، مردم را نیز دچار آسیب می‌کند.

۳. **آثار سوء تربیتی برای جوانان:** بدحجابی و بی‌حجابی به‌عنوان یکی از نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و برای سرگرم کردن مردم به‌ویژه جوانان با مسائل جنسی و تقویت قوه شهوانی است. سرگرم کردن انسان‌های یک جامعه به برنامه‌ها و ترفندهایی که با هزاران زینت و لهو و لعب به آن‌ها عرضه می‌شود مانع از پیشرفت تحصیلی در محیط‌های دانشجویی و سرو سامان دادن به فعالیت‌های اداری، اجتماعی و ... می‌شود.

۴. **از بین رفتن اعتقاد و باور:** حجاب و رعایت پوشش ظاهری ربطی به باطن و قلب افراد ندارد، نوع نگاه افراد به مرور زمان با تغییر پوشش، عوض می‌شود. بعضی مواقع می‌بینیم نوع پوشش فرد تغییر کرده اما هنوز باور فرد ثابت است، اما به مرور زمان اعتقادات او نیز رنگ می‌بازد و نتیجه‌اش می‌شود، بی‌هویتی و نزدیک شدن به اهداف شومی که دشمن در سر دارد. وقتی در زنان و دختران هویتی وجود نداشته باشد تا در تعارض با فرهنگ‌های دیگر آن را نشان دهند، اعتماد به نفس و هویت اصیل خود را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی از بدحجابی برای ابراز وجود

استفاده می شود و به فرهنگ ملی و دینی جامعه ما ضربه وارد می شود. اگر آن خودباوری و تخصص در بانوان شکل بگیرد، همه چیز درست می شود.

۵. **فروپاشی کانون خانواده و تکرار تجربه تلخ غرب:** با نگاهی اجمالی به سخنان غربی ها در مورد حجاب می توان دریافت که آن ها معتقدند حجاب، نشانه ظلم اسلام به زنان است. همچنین غربی ها برای توصیف حجاب زنان مسلمان از واژه هایی چون کفن، لباس مزورانه و حجب و حیا سیاه استفاده می کنند. به طور کلی، واکنش های غرب نسبت به حجاب در یکی از دو دسته زیر قرار می گیرد؛ دسته اول، تفسیری کینه توزانه از حجاب است که آن را نشانه آشکار ظلم اسلام به زنان می داند و دسته دوم، دیدگاهی خیال پردازانه است که حجاب را جزئی از سنن بیگانه شرقی می داند که خواهان فروکش کردن لذت جنسی است. (جمعی از نویسندگان، اسلام، جهانی شدن و پست مدرنیته، ص ۳۲۲)

غرب این موضوع را می داند که اگر زن از مسیر اصلی و فطرت پاک الهی اش دور شود، ابزار بسیار مهمی در جهت انحراف جامعه به دست می آید و جامعه از وضعیت تعادل خود خارج می شود. به عبارت دیگر حذف

حجاب یا ایجاد برهنگی، می‌تواند افراد را در مسیر مسحور شدن قرار دهد و فکرها و اندیشه‌ها را در حد یک نیاز شهوانی مهندسی کرده و خانواده را دچار فروپاشی کند. امروز در دنیای غرب شاهد هستیم که برای از بین بردن فرهنگ دینی، از زنان بهره‌برداری و برای رسیدن به اهدافشان از ابزار رسانه استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، سینمای هالیوود برای فرونشاندن و خنثی کردن بیداری و پویایی کشورهای اسلامی، فیلم‌های مستهجن تولید می‌کند؛ فیلم‌هایی که می‌تواند زمینه فکر و اندیشه را از بین ببرد و انسان را مانند یک حیوان در مسیر شهوت قرار دهد. دنیای غرب و معاندین می‌دانند که بخش عمده جامعه ما بانوان هستند که نقش مهمی هم در پیشبرد اهداف متعالی دارند. آنها به خوبی می‌دانند که با خارج کردن زنان از محیط حیا و خانواده، می‌توانند به خانواده‌های ایرانی لطمه بزنند و آنها را به پیامدها و سیاست‌های شوم و استعماری خودشان و تجربه تلخی که در این زمینه دارند، یعنی فروپاشی خانواده مبتلا سازند.

حجاب به مثابه یک امر قانونی

سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه و خانواده، حوزه‌هایی هستند که با تحقق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، آسیب می‌بینند. بنابراین، جرم

مورد بحث در شمار جرایم عمومی است و تعقیب کردن مرتکب آن نیازمند دعوای شاکی خصوصی نیست. فلسفه جرم‌انگاری رعایت نکردن حجاب شرعی نیز پاس‌داری از امنیت اخلاقی جامعه است که اخلال در آن، زمینه‌ساز جرایم بسیار دیگری است. اهمیت پاس‌داری از شخصیت بزه‌دیده در این جرم، ضرورت اهتمام به جلوگیری از گسترش جرم یادشده را دوچندان می‌سازد.

جرم‌انگاری (رعایت نکردن حجاب شرعی) به وسیله بانوان در قانون مجازات اسلامی، زمینه ساز بهره‌گیری از راه‌کارهای قضایی و انتظامی در برخورد با پدیده (بدحجابی) است. جرم‌شناسی و تحلیل این بزه جرم‌زای اجتماعی، راه‌کار مناسبی برای بازشناسی قلمرو وظایف و اختیارات هر یک از قوای اجرایی و قضایی در حوزه (تعقیب) و (دادرسی) بزه یاد شده است. عمل‌کرد منفعلانه و پراکنده نهادهای مسئول در برخورد با بی‌حجابی به عنوان یکی از مصداق‌های (انحرافات اجتماعی) سبب رشد و گسترش لجام گسیخته این پدیده در میان گروه‌های گوناگون اجتماع شده است، به گونه‌ای که امروزه این اپیدمی فراگیر، امنیت و سلامت اخلاقی جامعه را به مخاطره افکنده است.

رعایت نکردن حجاب شرعی در انظار عمومی، از چشم‌انداز حقوقی

رعایت نکردن حجاب شرعی در انظار عمومی، از چشم‌انداز حقوقی پیش از آن که به عنوان یک آسیب اجتماعی و بیماری، نیازمند بهره‌گیری از درمان متناسب با خود باشد، (جرم) مسلمی است که جرم‌انگاری آن برخاسته از ضرورت واکنش اجتماعی در برابر آن به عنوان فعلی است که به (حالات قوی و مشخص وجدان جمعی) تعرض کرده است. (محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۳). به یقین، مسامحه در اجرای قانون و قصور یا تقصیر متولیان حکومتی در نادیده انگاشتن قوانین موجود، علت مهمی در رشد لجام گسیخته بزه جرم‌زای رعایت نکردن حجاب شرعی است که فروپاشی امنیت اخلاقی و معنوی جامعه و تزلزل بنیان خانواده را در پی می‌آورد. واقعیت محسوس و مشهود امروز جامعه ایران که علم آورتر از آمار رسمی است، بیان‌گر عمل‌کرد ضعیف دستگاه قضایی به عنوان متولی تعقیب متهمان و مجرمان و ضابطان زیر نظرش در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی است.

در این بین، با بررسی آیین دادرسی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، این حقیقت را تبیین می‌کند که برخلاف فرافکنی‌های جنجالی جریان‌های

رسانه‌ای و شانه خالی کردن نهادهای مسئول از وظیفه خود با استناد به نبود قوانین لازم برای برخورد با جرم ظاهر شدن بدون حجاب در انظار عمومی، در میان قوانین جمهوری اسلامی ایران مقررات معتبر و نافذی دارد که از دیدگان بسیاری به سهو یا عمد پنهان مانده است. بنابراین، اجرای این مقررات، گام مؤثری در عرصه سلبی برخورد با پدیده (بی‌حجابی) خواهد بود.

جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از جمله جرایم معاونت بردار است. بنابر ماده ۴۳ ق.م.ا.، معاون در جرم کسی است که:

۱. دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.
۲. با علم و عمد، وسایل ارتکاب جرم را فراهم کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.
۳. عالماً و عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.

از جمله مصداق‌های معاونت در جرم مورد بحث، تهیه وسایل ارتکاب این جرم یعنی لباس‌هایی است که استفاده از آن در ملأعام خلاف شرع بوده و از مصداق‌های نداشتن حجاب شرعی موضوع ماده ۶۳۸ ق.م.ا. باشد. بنابراین، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و فروشندگان این نوع لباس‌ها مشمول بند دو ماده ۴۳ ق.م.ا. هستند و تحت تعقیب قانون قرار خواهند

گرفت. البته قانون‌گذار با هدف پیش‌گیری از جرم و جلوگیری از گسترش وسایل جرم، این نوع معاونت در جرم را موضوع جرم مستقلی قرار داده است که مشمول قانون (نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند) می‌شود. از سوی دیگر، فردی که زنان را به هر شیوه‌ای به بی‌حجابی به عنوان یکی از مصداق‌های فساد تشویق می‌کند، به اتهام جرم مستقل موضوع ماده ۶۳۹ ق.م.ا. - (افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند: ... ب) کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.) - تحت تعقیب قرار می‌گیرد. خود زنان مرتکب جرم ظاهر شدن بدون حجاب نیز ممکن است به اتهام جرم تشویق به فساد تحت تعقیب قرار گیرند که در این فرض، با تحقق (تعدد معنوی) ارتکاب جرم، مجازات‌شان تشدید می‌شود. بنابراین بی‌حجابی با توجه به آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی خانمانسوز، از سوی قانونگذار جرم انگاری شده است.

سخن پایانی

امروز اگر گفته شود خط مقدم جهاد تبیین باید معطوف به این موضوع و به تعبیر رهبر معظم انقلاب معطوف تبیین و تحلیل دست‌ها و طراحی‌های

پشت پرده دشمنان برای حیا و حجاب‌زدایی از کشور اسلامی ایران قرار گیرد جا دارد و دارای اهمیت فوق‌العاده است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران و گفتمان پیش‌رونده انقلاب اسلامی از الهام‌بخشی و قدرت‌سازی بیدارگر آن به شدت در هراسند؛ زیرا ایران اسلامی با تمام وجود در مقابل مطامع و دنیای قدرتمندان و زورگویان سلطه‌جو ایستاده است.

دشمنان در طول این چهار دهه هر راهی را که کمترین امید به ثمربخشی آن برای مقابله و منازعه با انقلاب اسلامی در چنته داشته‌اند، آزموده‌اند اما به لطف الهی، هدایت‌های داهیانه رهبر معظم انقلاب و ایمان و باور و ایستادگی مردم در صحنه دفاع از کشور با ناکامی و شکست مواجه شده‌اند و امروز از طریق ایجاد اغتشاش و اخلال در ذهن و زندگی مردم ایران وارد شده‌اند تا با توسل به ابزارهای جنگ ترکیبی و شناختی با ایجاد تعارض شناختی، وارونه‌سازی وقایع و حقایق اسلامی و انقلابی و تحریف مفاهیم و آموزه‌های مهمی مثل حجاب که نماد و نشانه حاکمیت اسلامی است، ملت و نظام اسلامی مردم ایران را به زانو در آورند.

بدون شک، مهمترین کار و علاج واقعه در این میان، تبیین و روشننگری صحنه منازعه و پشت صحنه طراحی‌های دشمنان در زمینه کشف حجاب در این موضوع است و این که به سرعت و با طراحی و برنامه‌ریزی عقب‌ماندگی‌های ساحت فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری و تربیتی نسل جوان و نوجوان فعلی و همچنین عملکردهای ضعیف دستگاه قضایی و ضابطان آن را باید جبران کرد و در تقویت اندیشه و باور اسلامی آنها تلاش نمود. البته مقابله‌های تخصصی در حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی با افراد و مراکزی که عامدانه و با ماموریت بیرونی در راستای کشف حجاب اقدام می‌کنند نیز به موازات سایر اقدامات نیاز هست.